پژوهشنامه خراسان بزرگ
شماره ۴۴ پاییز ۱۴۰۰
No.44 Fall 2021
۱-۲۰
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۵

مطالعه کمی و کیفی کاربرد زبان فارسی در کتیبه‌های معماری تیموری

- **محمدتقی آشوری:** استاد، گروه پژوهش هنر، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران (taghi.ashouri@gmail.com)
- **امیر مازیار:** استادیار، گروه فلسفه هنر، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران (maziar1356@gmail.com)
- **نفیسه گریوانی:** دانش آموخته مقطع دکتری رشته تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی دانشگاه هنر، عضو هیأت علمی گروه صنایع‌دستی، دانشکده هنر، دانشگاه بجنورد، ایران

چکیده

تیموریان که از ارزش‌های ذاتی و قابلیت‌های زبان فارسی غافل نبودند، به‌طور گسترده‌ای این زبان را در کتیبه‌های معماری مورد استفاده قرار دادند. این کتیبه‌ها نه‌تنها امکان نزدیک شدن حاکمان تیموری به رعایای فارسی‌زبانشان را فراهم می‌ساخت، بلکه دلالت‌های معنایی عمیق‌تری را که با ساختار و مختصات زبان و ادبیات فارسی در این دوره مرتبط بود ایجاد می‌نمود. برای دستیابی به شناخت کاملی در زمینه‌های مذکور می‌بایست در پی آن بود که زبان فارسی در کتیبه‌های معماری تیموری با چه کمیت و کیفیتی ظاهر شده است؟ بنابراین هدف، مطالعه کمی و کیفی محتوای کتیبه‌های فارسی ابنیه تیموری و دست یافتن به تأثیر و تأثرات احتمالی ادبیات فارسی و سیاست تیموریان بر آن‌ها است. روش تحقیق، تاریخی، گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی و روش ارزیابی و تحلیل، تلفیقی از روش‌های کمی و کیفی است. مهم‌ترین یافته‌ها حاکی از آن است که اهمیتی که حکمرانان تیموری برای زبان و ادبیات فارسی قائل بوده‌اند، موجبات رشد روزافزون کتیبه‌های فارسی در ابنیه این عهد را فراهم ساخته است. در این بین کاربرد این کتیبه‌ها در ابنیه خراسان بیشتر از سایر بخش‌های قلمرو تیموریان بوده است. اکثریت کتیبه‌های فارسی به نظم بوده و مطالب حکیمانه و احداثیه مضامین غالب در آن‌ها را تشکیل می‌داده است. پس از آن، مضامین صوفیانه و مدح شاهان و ابنیه، فرمان حکومتی یا وقفنامه، دعایی، عرفانی و شیعی قرار دارند. از این میان اهمیت مضمون مدح ابنیه در این نکته است که از رشد معماری این عهد کاملاً متأثر بوده است. همچنین انعکاس کیفیاتی از ادبیات فارسی این عهد در کتیبه‌ها قابل مشاهده است و از آن جمله است فن معما و ماده‌تاریخ که هم در محتوای کتیبه‌ها و هم در ترکیب‌بندی صوری آن‌ها دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: معماری تیموری، کتیبه‌های تیموری، کتیبه‌های فارسی، محتوای کتیبه‌ها

Abstract

Timurid were well aware of natural values and capabilities of Persian language and have widely used them in their architectural inscriptions. These inscriptions not only made the rulers get close to their people, but also created deeper semantic implications associated with the structure and facets of Persian language and literature of that era. In order to gain a thorough knowledge in these respects, we should explore the quality and quantity of Persian language in Timurid architectural inscriptions. Therefore, the purpose of the study is having a quantitative and qualitative study of the contents of Persian inscriptions in the Timurid era and finding the possible effects of Persian literature and the Timurid policies. The study method was historical, the data was through collecting from libraries and fieldwork, and the evaluation and analysis method is a combination of quantitative and qualitative methods. The most important findings indicate that the importance that the Timurid kings assigned to the Persian language and literature has led to the ever-increasing development of the Persian inscriptions of that period. Using these inscriptions in Khorasan buildings has been more than the other parts of the Timurid era. Most Persian inscriptions were verse and the wisdom and constructive subjects were the dominant themes in them. The content of other texts were made of mysticism, eulogy to kings and building structure, rulers' orders, *waqf*, blessing and Shiism. Among these, the importance of eulogy to the building structure shows that it was affected by the architectural growth in this era. A reflection of quality of Persian literature of the era is observed in the inscriptions, such as the techniques of riddle and chronogram that can be seen in the contents of the inscriptions and their formal composition.

Keywords: Timurid architecture, Timurid inscriptions, Persian inscriptions, Content of inscriptions.

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نفیسه گریوانی با عنوان «بررسی دلالت‌های معنایی کتیبه‌های معماری تیموری با رویکرد نشانه‌شناسی تاریخی» به راهنمایی دکتر محمدتقی آشوری و مشاوره دکتر امیر مازیار در دانشگاه هنر تهران می‌باشد.

***نویسنده مسئول مکاتبات:** نفیسه گریوانی (۰۹۱۵۱۸۷۰۹۳۶) **(nafisegerivani@ub.ac.ir)**

مقدمه

کتیبه‌ها را می‌توان قوه ناطقه کالبد بنا به شمار آورد و زبانی که با آن بیننده را مورد خطاب قرار می‌دهند، محملی است که سیاست طبقه حاکم و فرهنگ حاکم بر جامعه را به نمایش می‌گذارد. این زبان می‌تواند زبان بومی منطقه و یا زبان قدرتمندترین نیروهای حاکم بر جامعه همانند زبان مذهب و یا زبان بیگانه قوم مهاجم باشد. در ایران عهد تیموری که کشوری فارسی‌زبان بود و زبان دین رسمی آن عربی، هر دوی این زبان‌ها برای انتقال پیام ابنیه و عمارات به‌کاررفته است. اما شواهد چندانی از کاربرد زبان ترکی جغتایی تیموریان در کتیبه‌ها در دست نیست. تردیدی نمی‌باشد که تیموریان، همانند اسلاف ترک و مغول خود مجذوب فرهنگ و ادب ایرانی گردیده و در تلاش بودند تا از طریق اعلان سرسپردگی به دین اسلام و وانمود درک عمیق ادب فارسی، به مردمان سرزمین تحت سلطه خود نزدیک شده و کسب مشروعیت نمایند. از میان این دو زبان، زبان عربی قدمت و کاربرد بیشتری در کتیبه‌های اسلامی داشته است چراکه در ایران اسلامی همواره قدرتِ دین در جامعه بیشتر از سایر عناصر فرهنگی بوده است. در چنین فضایی، رواج روزافزون زبان فارسی در کتیبه‌های عهد تیموری کنجکاوی لازم را برای کشف زمینه‌های آن تهییج می‌کند. از این‌رو، مهم‌ترین پرسش تحقیق حاضر این است که کاربرد زبان فارسی در کتیبه‌های معماری تیموری به چه کمیت و کیفیتی بوده و چه مقدماتی می‌توانسته داشته باشد؟ برای رسیدن به پاسخ مناسب می‌بایست به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که در کدام‌یک از ادوار عهد تیموری توجه به زبان فارسی بیشتر بوده است؟ زبان فارسی برای بیان چه مضامینی در کتیبه‌های معماری تیموری به‌کاررفته است؟ برای بیان این مضامین از کدام انواع و منابع ادبی استفاده شده است؟ کدام‌یک از ویژگی‌ها یا تحولات ادب فارسی در عهد تیموری بر کتیبه‌نگاری معماری این عهد سایه افکنده است؟ بنابراین هدف شناسایی کم و کیف کاربرد زبان فارسی در کتیبه‌نگاری عهد تیموری است. در این راستا یکی از مهم‌ترین نکاتی که می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد، سیاست تیموریان در رویارویی با زبان و ادبیات فارسی و تأثیر و تأثر ادبیات فارسی و کتیبه‌نگاری معماری تیموری است. در این راستا پیش از بررسی خود کتیبه‌ها، به رویکرد تیموریان به زبان فارسی و مشخصات و تحولات ادبیات فارسی در عهد حکمرانی آنان پرداخته می‌شود.

منظور از کتیبه، خط یا نوشتاری است که به‌منظور انتقال معنا و القای حس زیبایی به مخاطب، به زبان‌های مختلف، با فرم‌ها و اشکال گوناگون و تکنیک‌های مختلف نظیر کاشی‌کاری، حجاری، نقاشی روی گچ و غیره بر بناها یا اشیاء هنری نوشته می‌شود. در این مقاله به‌طور خاص، کتیبه‌هایی بررسی خواهند شد که به زبان فارسی بر بناهای عهد تیموری نقش بسته‌اند. محدوده زمانی این تحقیق دوران حکومت تیموریان (۹۱۱-۷۷۱ق) و محدوده مکانی آن قلمرو پادشاهی آنان به‌جز منطقه هندوستان که بعدها اعقاب تیموریان بر آن تسلط یافتند می‌باشد. نمونه آماری این تحقیق ۴۸ بنای کتیبه‌دار است که یا در عهد تیموری ساخته‌شده و یا در آن عهد مرمت‌شده یا کتیبه‌ای به آن الحاق شده است. ملاک انتخاب این بناها اهمیت کتیبه‌های آن‌ها به لحاظ سلامت کتیبه و اصیل بودن آن بوده است. از سوی دیگر تلاش شده این بناها از مقاطع زمانی مختلف عهد تیموری انتخاب شوند تا فهرست جامعی از این کتیبه‌ها به دست آید. بیشتر بناهای ساخته‌شده مربوط به اوایل و اواسط عهد تیموری (اواخر قرن هشتم تا نیمه قرن نهم هجری‌قمری) و بیشتر بناهای مرمت‌شده مربوط به اواخر این عهد می‌باشد. در قلمروهای تفویض شده به شاهزادگانی چون ابراهیم سلطان و نیز در بناهای محلی، نمونه‌های کتیبه‌های افزوده[1] قابل مشاهده است. از میان ۴۸ بنای مذکور تعداد ۲۴ بنا حاوی کتیبه‌هایی به زبان فارسی بوده‌اند که تحلیل اصلی بر روی آن‌ها صورت گرفته است، اما بررسی برخی متغیرها، ضرورت گزینش کلی‌تر (۴۸ بنا) را ایجاب می‌کرده است.

پیشینه پژوهش

نویسندگان دو کتاب مرجع معماری تیموری، یعنی *معماری تیموری در ایران و توران* و نیز *معماری تیموری در خراسان*،

۱. منظور از کتیبه‌های افزوده کتیبه‌هایی هستند که در عهد تیموری به بناهای موجود از اعصار پیشین منضم شده‌اند.

گرچه در توصیف کتیبه‌های ابنیه این عهد به زبان و متن کتیبه‌ها اشاره نموده‌اند، اما تمرکز و یا تحلیلی بر کتیبه‌های فارسی نداشته‌اند. از سوی دیگر در مورد مضمون بسیاری کتیبه‌ها خصوصاً در کتاب گلمبک و ویلبر، به‌اختصار سخن گفته‌شده و متن کتیبه در دست نیست. از این‌رو در این مقاله به بازخوانی کتیبه‌هایی که متن آن‌ها در دسترس نبوده پرداخته شده است. حسین مهرپویا در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان *بررسی کتیبه‌های بناهای تیموری در خراسان* به کاربرد اشعار فارسی و نام شاعران این اشعار در کتیبه‌ها اشاره‌ای گذرا کرده است. مهم‌ترین منبع در این زمینه، مقاله مهناز شایسته‌فر با عنوان *تعامل معماری و شعر فارسی در بناهای عصر تیموری و صفوی* است که در آن فهرست نسبتاً کاملی از کتیبه‌های فارسی در قالب شعر از دوره تیموری و صفوی ارائه شده است، اما این کتیبه‌ها محدود به اشعار فارسی بوده و از سوی دیگر تحلیل تاریخی و فرهنگی مبسوطی از آن‌ها ارائه نشده است. در مقاله حاضر سعی شده با دیدی تحلیلی‌تر به کیفیت و جایگاه کتیبه‌های فارسی در معماری عصر تیموری پرداخته شود. محمدحسن الهی‌زاده و همکاران در مقاله *بررسی محتوایی کتیبه‌های مساجد خراسان در عهد تیموری* در خلال تحلیل محتوا و نوع خط کتیبه‌های مساجد خراسان به برخی کتیبه‌های فارسی این ابنیه نیز پرداخته‌اند. همچنین نصیری جامی در مقاله *سرآمد پیوند شعر و هنر در عصر تیموری* به توجه جامی، شاعر بزرگ عصر تیموری، به مهم‌ترین هنرهای عهد تیموری، همچون معماری و کتیبه‌نگاری، در اشعارش پرداخته است.

رویکرد تیموریان به زبان فارسی

در عهد تیموریان هر سه زبان ترکی، عربی و فارسی در دربار مورد استفاده بوده است اما تفوق زبان فارسی «که زبان بومی تاجیکان جامعه و زبان معارف تمامی ادبا و ترکان شهری برشمرده می‌شد» (تاکستن و همکاران، ۱۳۸٤: ٤٠)، بر دو زبان دیگر قابل توجه است. زبان فارسی در تاریخ، ادبیات و شعر و امور دیوانی به کار می‌رفت. اهمیت این زبان از همان ابتدا با رویکرد مثبت شخص تیمور آشکار می‌شود. این فرمانروای بزرگ با این‌که سواد خواندن و نوشتن نداشته اما علاوه بر زبان مادری‌اش، ترکی، به زبان فارسی نیز مسلط بوده است. تیمور نقش مهمی در توسعه‌ی برخی از جریانات مهم ادبی این عهد داشته است؛ در واقع «تاریخ‌نگاری فارسی این دوره تا حدود زیادی مرهون و وامدار [او] است؛ چون سفارش تحریر چندین اثر متمایز را صادر کرد» (رویمر و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۰۵) که از آن جمله است ظفرنامه مولانا نظام‌الدین شامی، نخستین تاریخ زندگانی تیمور که تنها تاریخی است که در زمان حیات تیمور نگاشته شده است. (براون، ۱۳۵۷: ٤۹۳-٤۹۲). بااین‌وجود، گویا تیمور رابطه چندان خوبی با شاعران نداشته و توجهی به شعر نشان نمی‌داده است. این حوزه ادبی بعدها، در عهد جانشینان تیمور، مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد و شاهزادگان تیموری نقش فعال‌تری در رونق زبان و ادب فارسی ایفا می‌کنند. در واقع آشنایی با ادبیات و عرفان ایرانی در این عهد به محکی برای سنجش ذوق فرهنگی شاهان مبدل شده بود تا جایی که «بسیاری از آن‌ها [...] به زبان فارسی شعر می‌گفتند» (یارشاطر، ۱۳۳٤: ٥) و «شعر فارسی در دربارهای هرات، سمرقند و شیراز همواره به بحث و فحص گرفته می‌شد» (آژند، ۱۳۸۷: ۳۰).

یکی از علل گرایش شاهزادگان تیموری به زبان فارسی این بود که «زبان فارسی بیشتر به مزیت حسن تعبیر و کثرت اصطلاحات لطیفه متمایز است، از این‌رو بیشتر مورد استعمال واقع می‌شده» است. (براون، ۱۳۵۷: ٦٦۲) به همین دلیل پادشاهانی چون سلطان حسین بایقرا نیز که دستی در ادبیات ترکی داشتند، از زبان فارسی در مقاصد ادبی خود بهره می‌بردند. در این بین بیش از همه امیر علیشیر نوایی است که بر تقدم زبان ترکی بر فارسی اصرار داشته و «محاکمه اللغتین» را به همین انگیزه نگاشته است. در ایران فرهنگی آن دوران، علاوه بر شاهان و شاهزادگان تیموری، گروه دومی نیز در توسعه‌ی ادبیات فارسی دخیل بوده‌اند. این گروه پادشاهان ترکمن سلسله قراقویونلو، خصوصاً اسکندربن یوسف (۸٤۱-۸۲۳ق) و بیشتر مظفرالدین جهانشاه بن یوسف (۸٦٦-۸٤۱ق) و پیربداق بن یوسف (۸۷۲-۸٦٦ق) و نیز تنی چند از پادشاهان سلسله آق‌قویونلو نظیر خلیل بن اوزون حسن (۸۸٤-۸۸۳ق) و مخصوصاً سلطان یعقوب بن اوزون حسن (۸۹٦-۸۸٤ق) و بایسنقر بن یعقوب (۸۹۷-۸۹٦ق) و سلطان مراد بن یعقوب (-۹۰۸

۹۰۳ق) بوده‌اند. این دو سلسله بیشتر در شمال غربی ایران و خصوصاً در نواحی آذربایجان نفوذ داشته‌اند (نفیسی، ۱۳۴٤: ۲۳٤).

ادبیات فارسی در عهد تیموریان

دوران تیموری را می‌توان آخرین دوره مهم ادبیات ایران و پرواننده آخرین شاعر کلاسیک فارسی‌گوی آن، جامی، دانست. از ویژگی‌های آن می‌توان به «رواج و انتشار شعر و ادبیات و عمومیت یافتن آن» (میرجعفری، ۱۳۷۹: ۱٥٤) در جامعه و افزایش شمار شعرا و نویسندگان اشاره کرد که گرچه به قول دولتشاه موجبات تنزل مقام شعر و شاعری را فراهم آورده[۱]، اما درک عمومی جامعه را در حوزه ادبیات بالا برده بود. از آثار تبعی این جریان می‌توان به نفوذ بیشتر ادبیات بر محتوای کتیبه‌های معماری تیموری اشاره کرد. مسلماً بانیان بناها در پی انتقال پیام عمارت با زبانی بوده‌اند که مورد اقبال طیف گسترده‌تری از مخاطبان قرار گیرد. احسان یارشاطر در این باب می‌گوید: «از نشان‌های انتشار شعر و عمومیت آن، یکی نیز کتیبه‌های عمارات و قصور این دوره است که غالباً منظوم است و امیرزادگان تیموری چون بایسنقر و ابراهیم‌سلطان و محمد جوکی میرزا امر به انشاء و کتابت آن‌ها کرده‌اند و گاه نیز خود تصدی تحریر آن‌ها را داشته‌اند» (یارشاطر، ۱۳۳٤: ٥۹). باوجود این شرایط مساعد، نمی‌توان از انحطاط و فتوری که در این عهد در بسیاری زمینه‌ها گریبان‌گیر نظم و نثر فارسی شده است چشم پوشید. آرایش معنوی و لفظی کلام در این عهد به شکل تصنعی و بیش از حد جلوه کرده است (صفا، ۱۳۷۲: ٤/ ۱۷۳). در نثر این عهد تکلف و اغراق خصوصاً در مضامین مدح و وصف خودنمایی می‌کند.

صرف‌نظر از اوضاع کلی شعر و نثر، یکی از قابل‌توجه‌ترین جریانات ادبی عهد تیموری تاریخ‌نویسی و وقایع‌نگاری بوده است. «اصولاً در هیچ دوره‌ای تاریخ‌نویسی به آن پایه از رواج و ترقی که در دوره مغول و تیموریان رسید نرسید» (یارشاطر، ۱۳۳٤: ۲۷) اکثر امرا و شاهزادگان تیموری لزوم حمایت از این جریان ادبی را درک کرده بودند و سفارش تألیف روایتی از تاریخ را می‌دادند که بر مشروعیت دینی و تاریخی آنان صحه بگذارد. بااینکه قالب رایج برای نگارش این متون نثر بوده است، گاه تاریخ‌های منظومی نیز پدید می‌آمد. «...در ظفرنامه‌ها و تمرنامه‌های رایج در این عصر نشانه‌ی تقلید از [اشعار] فردوسی و نظامی مشهود است. جز آن‌که غالباً روح حماسی در آن‌ها نیست[...]» (زرین‌کوب، ۱۳۷٥: ۳۸٦).

پدیده‌ی مهم دیگر ادبیات عهد تیموری، گسترش بیشتر مفاهیم عرفانی و صوفیانه در نظم و نثر فارسی است. این مضامین که به اقتضای شرایط اجتماعی پس از حمله مغول در ادب فارسی رخنه کرده بود از طریق این انگاره که «هر نقش زیبا را مظهر تجلی حق می‌انگاشت» (بیانی، ۱۳۸۹: ۲/ ٥٥۹) به رشد انواع هنرها کمک کرده است. در حقیقت گسترش مسائل عرفانی و مضامین صوفیانه در این دوره در حدی بود که «جزو فرهنگ عمومی به شمار می‌آمد و هرکس که با بحث معارف و مطالعه‌ی کتاب مأنوس بود از معانی عرفانی و عوالم درویشان بی‌خبر نمی‌ماند. حتی عوام نیز از گفت‌وشنود این معانی برکنار نبودند» (یارشاطر، ۱۳۳٤: ۱٦۳) این مسئله احتمال گنجانده شدن این مفاهیم را در محتوای کتیبه‌ها افزایش می‌داد. عامل مذهبی دیگری که دستمایه خلق آثار ادبی متفاوتی در این دوره گردید تشیع بود. گرچه مضامین شیعی اختصاص به این دوران نداشته و پیش از آن نیز در ادبیات فارسی رایج بوده است اما سرایش شعر در مدح حضرت علی(ع)، امام حسین(ع) و سایر ائمه معصوم شیعه در این عهد رونق گرفت. از عهد شاهرخ به بعد «اشعار مذهبی اهل تشیع شکفتگی خاصی یافت، چنان‌که می‌توان این دوره را به حقیقت آغاز رواج اشعار مذهبی شیعیان خواند» (یارشاطر، ۱۳۳٤: ۱۰مقدمه). از سایر مضامین رایج در این دوره می‌توان به وصف، پند و اندرز و مضامین حکیمانه اشاره کرد[۲].

---

۱ . «اما در این روزگار پایه‌ی قدر این فرقه شکست یافته و متنزل شده است به سبب آن‌که نااهلان و بی استحقاقان مدعی این شغل شده‌اند، هر جا گوش کنی زمزمه شاعری‌ست و هر جا نظر کنی لطیفی و ظریفی و ناظری‌ست اما شعر از شعیر و ردف از ردیف نمی‌دانند و گفته‌اند که هر چیز که بسیار شود خوار شود» (سمرقندی، ۱۲۷۹: ۱۰).

۲. البته احسان یارشاطر مضامین بیشتری برای اشعار نیمه نخست قرن نهم نام می‌برد: «اشعار این دوره را می‌توان از حیث مضمون به

از میان مضامین وصفی این عهد، وصف ابنیه به‌طور خاص جلوه می‌کند و ظهور آن به رونق معماری در عهد تیموری ارتباط می‌یابد. علاوه بر تیمور که گرایش عجیبی به ساخت بناهای عظیم‌الجثه داشت، بازماندگانش نیز به معماری علاقه‌مند بودند و در اکثر موارد تمایل داشتند اشعاری در مدح آثارشان، سروده و زینت‌بخش بنا شود. شیوع گسترده این مضمون در عهد تیموری، در کثرت اشعار جامی (بیست قصیده و دو مثنوی) در «وصف عمارات شاهی و مدح اهتمام بانیان بنا» هویداست. چنان‌که می‌توان گفت «تحقیقاً هیچ‌یک از شاعران این عصر در وصف بنا و معماری با چنین بسامدی شعر نسروده و چه‌بسا در گستره‌ی ادب فارسی این رویکرد و توجه، نادر و بی‌بدیل باشد» (نصیری جامی، ۱۳۸۵: ۹۷). اما گسترش مضامین عام‌تری نظیر پند و اندرز در عهد تیموری بی‌ارتباط بانفوذ بیشتر مذهب و عرفان در جامعه و نیز شیوع گسترده فقر و تصوف نیست. «در دوره مورد بحث ما شرایط رواج اشعار اخلاقی چه از جهت غلبه افکار مذهبی و رواج تصوف و چه از جهت تقلید از شعرایی چون نظامی و امیر خسرو که اشعار اخلاقی سروده‌اند فراهم بود و مضامین اخلاقی و عبرت‌انگیز در انواع شعر از قصیده و غزل و مثنوی و رباعی مشاهده می‌شود» (یارشاطر، ۱۳۳٤: ۲۱۹). این مضمون در اشعار به‌کاررفته در کتیبه‌ها نیز تسری یافته و مضامین حکیمانه نظیر ناپایداری دنیا و لزوم توجه به حیات اخروی به‌کرات در آن‌ها دیده می‌شود.

یکی از فنون و صنایع ادبی خاص این عهد، فن معما و ماده‌تاریخ است که به حوزه کتیبه‌نگاری نیز راه‌یافته است. احسان یارشاطر آن را «نتیجه تعلق شعرا به مضمون‌یابی و تکلف و باریک‌اندیشی و فقدان ابداعات عالی‌تر» (یارشاطر، ۱۳۳٤: ۲۱۳) می‌داند.

در نهایت نمی‌توان از این مسئله چشم پوشید که یکی از رقبای نه‌چندان قدرتمند زبان و ادبیات فارسی، خصوصاً در اواخر عهد تیموری، زبان ترکی بوده است. هرچند در عهد تیمور ادبیات ترکی گسترش چندانی نیافت و در واقع «عناصر ترک‌زبان امپراتوری [تیمور نه‌تنها در ادبیات عهد او بلکه] در کار سازندگی او [نیز] تقریباً هیچ مشارکتی» نداشتند. به‌عنوان‌مثال قصر باشکوه آق‌سرای که توسط استادکاران صنعتگر تیمور ساخته شد «هیچ‌چیز ترکی نداشت جز نامش. در میان کتیبه‌هایی که بر دیوارها بوده است اشعار فارسی بسیار است، اما حتی یک واژه ترکی هم یافت نمی‌شود» (بارتولد، ۱۳۷۶: ۲۴۹-۲۴۸). اما ادب ترکی پس از تیمور آرام‌آرام رونق گرفت و در عهد سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی از حمایت شدید دربار برخوردار شد. بااین‌وجود به نظر می‌رسد زبان ترکی کاملاً تحت‌الشعاع زبان فارسی بوده است[1] چنان‌که حتی از دوران شکوفایی این زبان در اواخر قرن نهم نیز شواهد چندانی از کاربرد آن در کتیبه‌ها به دست نیامده است.

زبان فارسی در کتیبه‌های معماری تیموری

شیلا بلر نخستین نشانهٔ نفوذ زبان فارسی به کتیبه‌های ایرانی را در آوردن یک عبارت فارسی در کتیبه یادگاری عضدالدوله دیلمی به تاریخ ۳۴۴ق در تخت جمشید معرفی می‌کند، اما عبارات کامل‌تر فارسی «نخست در کتیبه‌های پایه‌گذاری [احداثیه] شرق ایران به‌کاررفته است. کهن‌ترین نمونه، کتیبه آرامگاه شاه فضل در سفیدبلند است منتسب به سال‌های ۴۴۷-۴۵۱» (بلر، ۱۳۹۴: ۲۵). هانری ماسه ظهور اصلی این کتیبه‌ها در بناهای ایرانی را از پدیده‌های قرن هشتم هجری می‌داند. (پوپ، ۱۳۸۷: ۲۰۵۱/۴) منابع دیگری نیز نخستین کاربردهای زبان فارسی در کتیبه‌نگاری را در بناهای عهد

طریق ذیل تقسیم نمود: اشعار وصفی- اشعار عشقی- اشعار عرفانی- اشعار مذهبی- اشعار حماسی- مدح- رثاء- بث‌الشکوی- اشعار حکائی- هجو و مطایبه- معما و لغز- ماده‌تاریخ و اشعار متفرقه» (یارشاطر، ۱۳۳٤: ۲۱٤–۲۱۳). اما در اینجا تنها به ذکر مهم‌ترین آن‌ها که در حوزه کتیبه‌نگاری نیز نفوذ یافته‌اند، اکتفا می‌شود.

۱. «نکته مهم این است که شعر ترکی که ... [پس از تیمور] شروع شد و به کمک میرعلیشیر و معاصران او نضج و قوت یافت از حیث صورت و معنی تحت تأثیر کامل شعر فارسی قرار دارد. در حقیقت شعرای ترکی‌گوی جز تبدیل لفظ کاری نمی‌کرده‌اند» (یارشاطر، ۱۳۳٤: ۹٤).

پژوهشنامه خراسان بزرگ
پاییز ۱۴۰۰ شماره ۴۴

ایلخانی معرفی می‌کنند[۱]. بنابراین می‌توان گفت هرچند قرن هشتم آغاز جریان فارسی‌نگاری در کتیبه‌ها نبوده است اما عصر رواج روزافزون این کتیبه‌ها به شمار می‌آید. این جریان فرهنگی در دوره تیموری تداوم می‌یابد.

کتیبه‌های ۴۸ بنای مورد بررسی در این دوران در یک تقسیم‌بندی کلی، بر طبق دوره زمانی و قلمرو پادشاهی سلاطین مختلف به شرح زیر دسته‌بندی شده‌اند:

۱. عهد سلطنت تیمور (۸۰۷-۷۷۱ ق) با ۱۲ بنا (۵ بنا حاوی کتیبه‌های فارسی)

۲. عهد سلطنت شاهرخ (۸۵۰-۸۰۷ ق) با ۲۴ بنا (۹ بنا حاوی کتیبه‌های فارسی)

۳. عهد حکمرانی پادشاهان تیموری پس از مرگ شاهرخ تا روی کار آمدن سلطان حسین بایقرا (۸۷۳-۸۵۰ ق) با ۴ بنا (۲ بنا حاوی کتیبه‌های فارسی)

۴. دوره و قلمرو پادشاهی ترکمانان قراقویونلو (۸۷۳-۷۸۲ ق) با ۴ بنای باقیمانده از اواخر این عهد (هر ۴ بنا حاوی کتیبه‌های فارسی)

۵. دوره پادشاهی سلطان حسین بایقرا (۹۱۱-۸۷۳ ق) با ۴بنا (هر ۴ بنا حاوی کتیبه‌های فارسی)

بر بستر این تقسیم‌بندی کلی، کتیبه‌های فارسی بناهای تیموری با چند متغیر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. این متغیرها عبارت‌اند از: فراوانی کتیبه‌های فارسی، پراکندگی جغرافیایی، نوع کتیبه (خواندنی یا تزئینی)، نوع کلام و مضمون کتیبه‌ها (جدول ۱).

جدول ۱:اطلاعات تفصیلی کتیبه‌های فارسی بناهای عهد تیموری (مأخذ: نگارندگان)

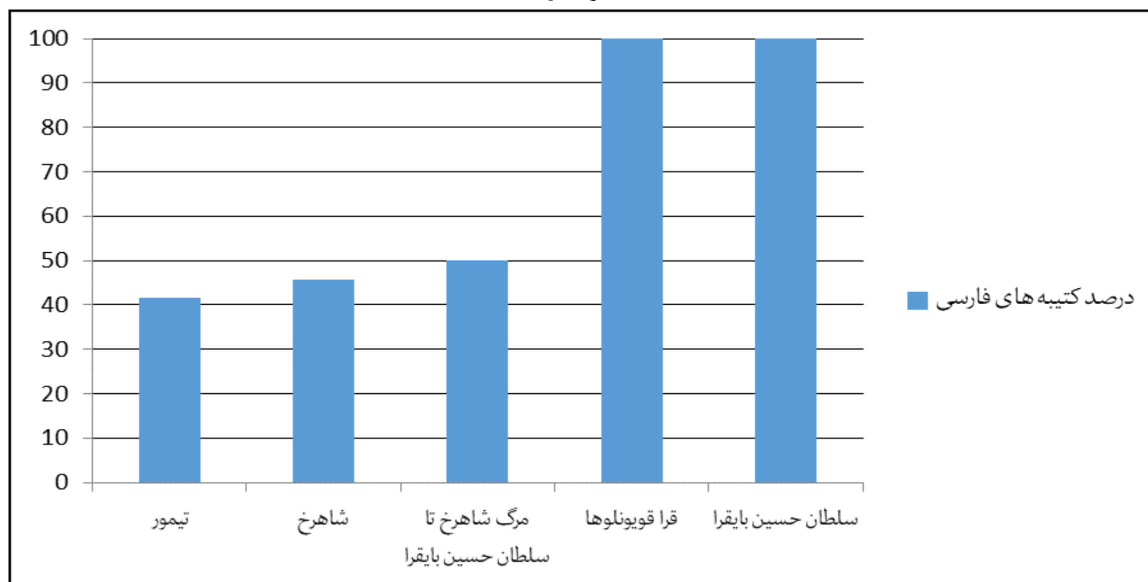
گروه	نام بنا/ مکان	تاریخ ساخت به هجری قمری	نوع کتیبه		نوع کلام/ شاعر			مضمون							
			خواندنی	تزئینی	نثر	نظم	نام شاعر	احداثیه	مدح و ثنا: شخص	مدح و ثنا: بنا	عرفانی	حکیمانه	فرمان حکومتی یا وقفنامه	دعای خیر	شیعی
۱	آرامگاه تغلق تکین در سمرقند	۷۷۷	*			*	فردوسی					*			
	آرامگاه شادملک آغا در سمرقند	۷۷۳-۷۸۵	*			*	؟		*						
			*			*	؟			*					
				*		*	؟								
				*		*	سنایی					*			
	آرامگاه شیرین بک آغا در سمرقند	۷۸۷-۷۹۹	*			*	سعدی					*			
	کاخ آق‌سرای شهرسبز	۷۸۱-۷۹۸	*			*	؟			*					
			*			*	؟		*						
				*	*									*	
				*		*	؟		*						
	آرامگاه خواجه احمد یسوی در ترکستان	۷۹۹-۸۰۱	*		؟*								*		
۲	ارگ هرات	۸۱۰-۸۱۸	*			*	حافظ ابرو	*	*						

۱. عزیزیان به نقل از جرج مایلز یکی از اولین کتیبه‌های فارسی بر بناهای ایرانی را متعلق به کاروانسرای آلاکی می‌داند (عزیزیان، ۱۳۷۸: ۲۹۹).

گروه	نام بنا/ مکان	تاریخ ساخت به هجری قمری	نوع کتیبه		نوع کلام/ شاعر			مضمون							
			خواندنی	تزئینی	نثر	نظم	نام شاعر	احداثیه	مدح و ثنا		عرفانی	حکیمانه	فرمان حکومتی یا وقفنامه	دعای خیر	شیعی
									شخص	بنا					
	خدای‌خانه مسجد عتیق شیراز	۸۲۰	*		*								*		
	مدرسه الغ بیگ در سمرقند	۸۲۰-۸۲۳		*	*									*	
	کاخ تچر تخت جمشید در شیراز	۸۲۶	*			*	سعدی					*			
			*		*	*	سعدی					*			
	مسجد جامع بجستان	۸۲۸	*		*			*							
	مسجد گوهرشاد در هرات	۸۲۰-۸۴۱	*		*			*							
	مدرسه دودر مشهد	۸۴۳		*		*	سعدی					*			
			*		*							*			
	مسجد حوض کرباس غلواز هرات	۸۴۵	*			*	سعدی					*			
	مدرسه غیاثیه خرگرد خواف	۸۴۶-۸۴۸	*		*			*						*	
				*	*									*	
۳	خانقاه نصرآباد در اصفهان	۸۵۴-۸۵۵	*		*			*							
			*			*	؟	*		*					
				*		*	سنایی					*			
	مسجد شاه مشهد	۸۵۵	*			*	حلاج			*					*
				*		*	سعدی قاسم‌انوار حافظ				*	*			
۴	امامزاده درب امام اصفهان	۸۵۷	*		*			*							
			*			*	؟	*		*					
				*		*	؟					*			
				*		*	سعدی					*			
	مسجد میدان سنگ کاشان	۸۶۷-۸۶۸		*		*	مولوی				*				
	مسجد کبود تبریز	۸۷۰		*		*	؟					*			
	مسجد جامع یزد	۸۶۱-۸۹۱	*		*								*		
			*		*								*		
				*		*	؟				*				
۵	مقبره عطار در نیشابور	۸۹۱	*			*	؟		*						*
	مسجد جامع نیشابور	۸۹۹	*			*	؟	*							
	زیارتگاه ابوالولید در آزادان هرات	۹۰۳	*		*			*							
			*		*								*		
				*		*	؟		*						
	مسجد جامع هرات	۹۰۳-۹۰۵	*			*	؟	*							

در گام نخست به‌منظور بررسی فراز و فرود کاربرد زبان فارسی در تزئین بناهای تیموری، درصد بناهای حاوی کتیبه فارسی به کل بناهای کتیبه‌دار هر دوره مشخص‌شده و در نمودار ۱ به نمایش درآمده است.

نمودار ۱: مقایسه درصد فراوانی بناهای دارای کتیبه‌ی فارسی به کل بناهای کتیبه‌دار هریک از گروه‌های پنج‌گانه معماری تیموری (مأخذ: نگارندگان)



همان‌گونه که نمودار فوق نشان می‌دهد استفاده از زبان فارسی در کتیبه‌نگاری عهد تیموری روند افزایشی داشته است. این روند در اواخر عهد تیموری رشد چشمگیری را نشان می‌دهد.

کاربرد کتیبه‌های فارسی در بناهای احداث‌شده در زمان تیمور رواج قابل‌توجهی داشته، این فراوانی در دوران سلطنت شاهرخ یعنی نیمه نخست قرن نهم هجری افزایش نامحسوسی را نشان می‌دهد. اگر از کتیبه‌های از بین رفته ارگ هرات (۸۱۸- ۸۱۰ ق) و بناهای محلی شیراز و بجستان صرف‌نظر شود، از اواخر این دوره یعنی در ۸٤۱ ق با ظهور نخستین کتیبه‌ی احداثیه سلطنتی به زبان فارسی (که متعلق به مسجد جامع گوهرشاد در هرات است[۱]) (تصویر ۱) کاربرد زبان فارسی وارد مرحله جدیدی در تزئین معماری تیموری می‌شود. در نیمه دوم قرن نهم تا به قدرت رسیدن سلطان حسین بایقرا این میزان مجدداً افزایش اندکی را نشان می‌دهد. این روند افزایشی در نهایت در بناهای قلمرو حکومت قراقویونلوها و در عهد سلطان حسین بایقرا به اوج خود (پوشش تمامی بناها) می‌رسد. این روند افزایشی نشانه‌ای از عمومیت یافتن ادبیات فارسی در میان اقشار مختلف جامعه در عهد تیموری است که بانیان را بر آن داشته هرچه بیشتر از این زبان در کتیبه‌های ابنیه استفاده کنند.

اما این‌که عمومیت زبان فارسی در کدام مناطق تأثیر بیشتری بر انتخاب این زبان در کتیبه‌نگاری داشته است از نمودار ۲ استنباط می‌شود.

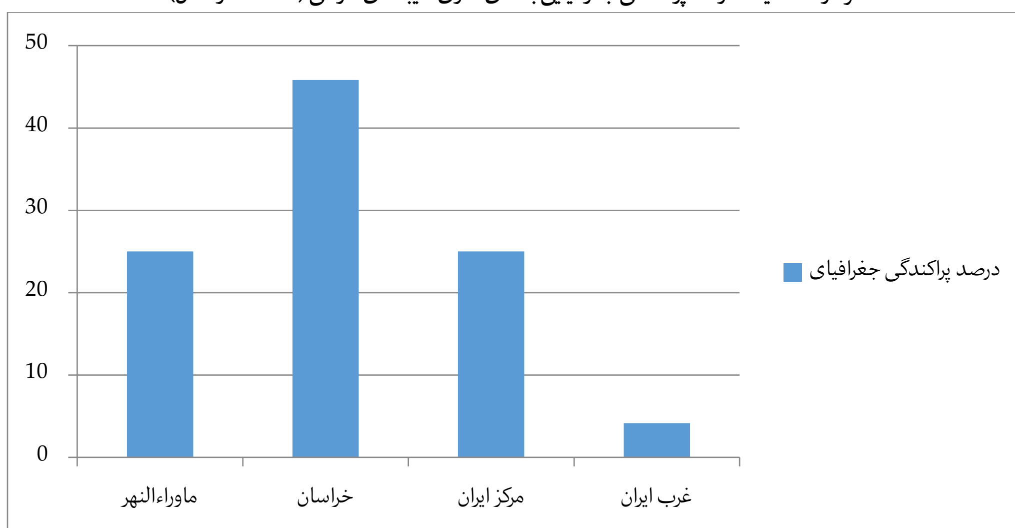
۱. این کتیبه احتمالاً بر سردر مسجد گوهرشاد نصب بوده که بعدها به داخل مقبره گوهرشاد در هرات منتقل شده است.



تصویر ۱: کتیبه احداثیه مسجد گوهرشاد در هرات

مأخذ:(Herat: Gawharshad Musalla Complex, 96/9/9)

نمودار ۲: مقایسه درصد پراکندگی جغرافیایی بناهای حاوی کتیبه‌های فارسی (مأخذ: نگارندگان)

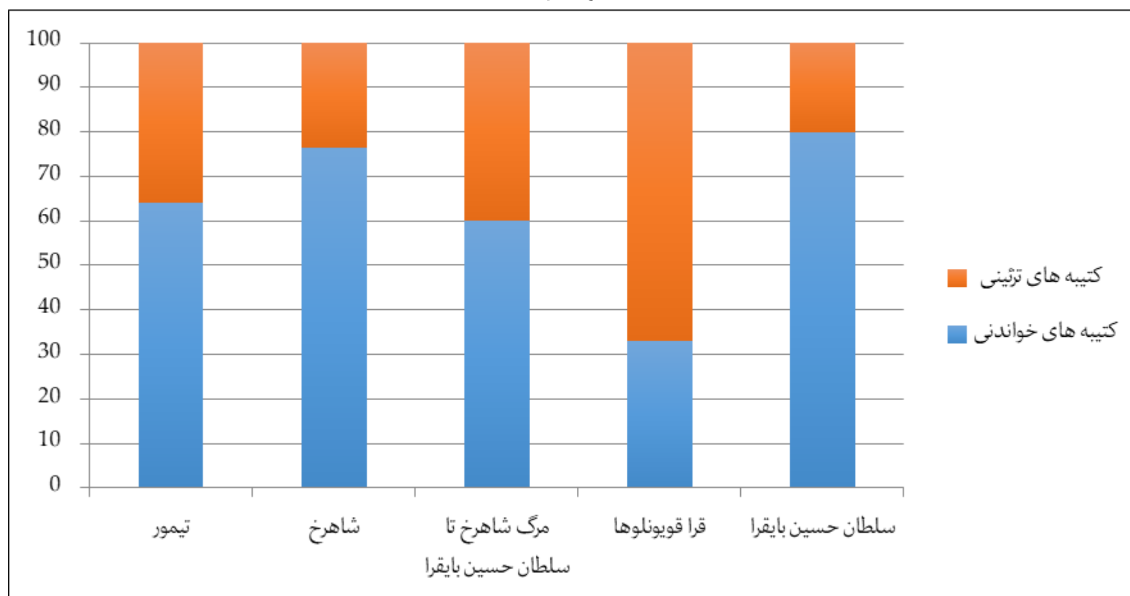


منطقه خراسان با اختلاف بالا بیشترین کتیبه‌های فارسی را در بر گرفته است. از میان ۱۱ بنای حاوی کتیبه فارسی در این منطقه ۵ بنا در شهر هرات واقع شده است. علت می‌تواند در جو فرهنگی حاکم بر پایتخت ۴۴ ساله تیموریان نهفته باشد چنان‌که به گفته اوکین «در هرات سطح سواد حتی در میان پایین‌ترین اقشار جامعه بالا بوده است» (اوکین، ۱۳۸۶: ۳۱۹). این عامل انگیزه‌ای بوده است برای توجه به ذائقه طیف وسیع‌تری از افراد جامعه. همان‌طور که اشاره شد نخستین کتیبه سلطنتی به زبان فارسی نیز در این شهر ظهور یافته است.

برخی کتیبه‌ها، از لحاظ درشتی اندازه قلم (احتساب فاصله چشم ناظر از کتیبه)، متن کتیبه، ترکیب رنگی کتیبه و غیره طوری طراحی می‌شوند که از فاصله دور هم قابل‌خواندن باشند. این نوع کتیبه‌ها را کتیبه‌های خواندنی می‌نامیم و در مقابل کتیبه‌هایی هستند که اندازه قلم، پیچیدگی متن، کوتاه بودن متن و تزئینی بودن قاب کتیبه بیانگر آن است که هدف از طراحی و اجرای آن‌ها بیشتر تزئین بوده تا خواندن متن. این کتیبه‌ها را کتیبه‌های تزئینی می‌نامیم (آشوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۴-۲۵).

از آنجایی که معمولاً کتیبه‌های خواندنی حاوی مطالب بااهمیت‌تری نسبت به کتیبه‌های تزئینی هستند بخش‌های مربوط به آن‌ها در نمودار ۳ نمایانگر میزان اهمیتی است که در هر دوره به زبان فارسی به‌عنوان رسانه انتقال پیام‌های اصلی بنا داده شده است. از سوی دیگر بخش‌های فوقانی نمودار نمایشگر میزان نفوذ این زبان تا حدی است که حتی در عناصر تزئینی هم به‌کاررفته است.

نمودار ۳: مقایسه درصد فراوانی کتیبه‌های خواندنی فارسی به کتیبه‌های تزئینی فارسی در هریک از گروه‌های پنج‌گانه معماری تیموری(مأخذ: نگارندگان)



پژوهشنامه خراسان بزرگ
پاییز ۱۴۰۰ شماره ۴۴

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در دوران حکومت باثبات سه پادشاه قدرتمند عهد تیموری یعنی تیمور، شاهرخ و سلطان حسین بایقرا تمرکز بیشتری بر انتقال پیام اصلی بنا به زبان فارسی شده است تا در عهد حکام ضعیف‌تری نظیر سلطان محمد بن بایسنقر یا ابوالقاسم بابر در گروه سوم و یا قراقویونلوها. می‌توان چنین نتیجه گرفت که زبان فارسی در دوران شکوه و قدرت و یا در زمان ثبات و آرامش در دربار تیموریان مجال بیشتری برای نمایش داشته است.

از زبان فارسی در همه ادوار پنج‌گانه فوق به‌صورت جزئی در تزئین بناهای تیموری استفاده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود در عهد تیمور حدود یک‌سوم کتیبه‌ها تزئینی است. این نشان از توجه زیاد به آراستن بنا دارد. در گروه دوم بخش مهمی از کتیبه‌های فارسی را کتیبه‌های افزوده تشکیل می‌دهند که همه‌ی آن‌ها خواندنی هستند؛ از این‌رو نسبت کتیبه‌های تزئینی کاهش یافته است اما از آن پس تا روی کار آمدن سلطان حسین بایقرا نمودار سیر افزایشی را درباره کتیبه‌های تزئینی نشان می‌دهد. کاربرد این کتیبه‌ها در عهد سلطان حسین بایقرا و امیرعلیشیر نوایی کاهش چشمگیری داشته است اما این نکته را نباید فراموش کرد که بیشتر بناهای این عهد غالباً یا بناهای محلی کوچک و یا ابنیه بازسازی‌شده‌ی ادوار قبل بوده‌اند بنابراین اصولاً کتیبه‌های تزئینی کمتری داشته‌اند.

پس از این بررسی آماری، خالی از لطف نیست اگر به فرم‌های هنری هماهنگ با ترکیب اشعار فارسی در کتیبه‌های تزئینی نظری بیفکنیم.

یکی از قوالب تزئینی که هماهنگی خوبی با بندبند بودن شعر فارسی دارد توالی فرم‌های قلمدانی است که هر یک، مصرعی از شعر مورد نظر را در بر گرفته است. این نوع ترکیب‌بندی در ایوان ورودی مدرسه دودر (۸۴۳ق) و مسجد شاه مشهد (۸۵۵ق) به‌کاررفته است.



تصویر ۲: کتیبه تزئینی ایوان ورودی مسجد شاه مشهد

چند روزست که قاسم از تو ماندست جدا　　　بس عجب مانده‌ام ای دوست عجب می‌مانم

[قاسم انوار]

(مأخذ: نگارندگان)

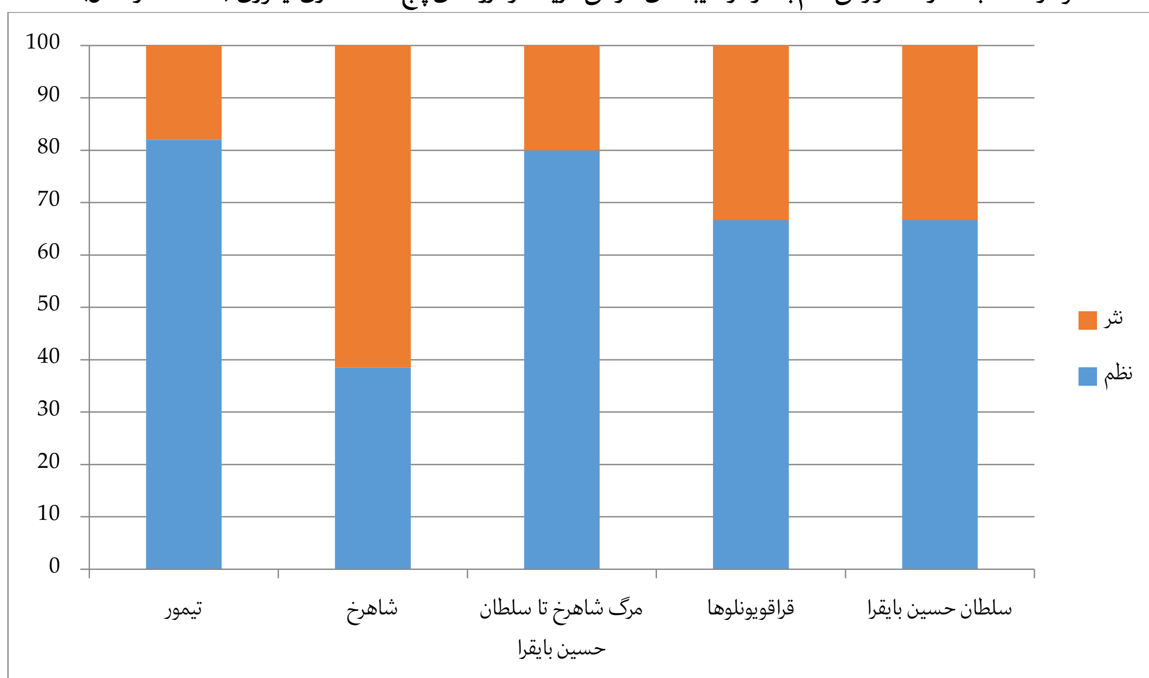
این ترکیب سلسله‌وار، با دوایر یا شمسه‌هایی متوالی (که این بار ابیات فارسی را در برگرفته‌اند) در بناهایی نظیر مقبره شادملک آغا (۷۸۵-۷۷۳ق) در شاه زنده سمرقند و مسجد جامع یزد (۸۹۱ق) به چشم می‌خورد.

جدول ۲: نمونه‌هایی از کتیبه‌های تزئینی دوار با ابیات فارسی

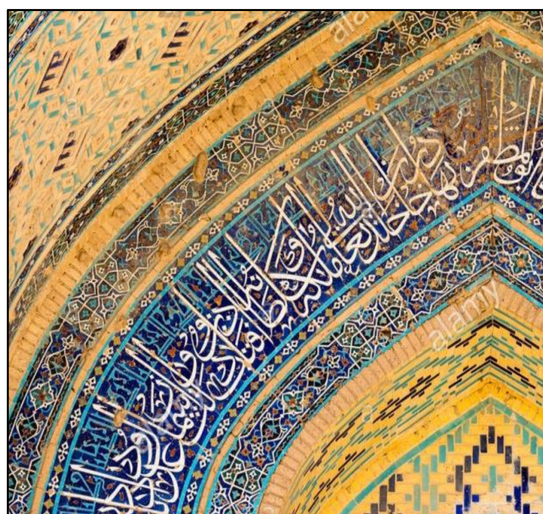
هر که او نام کسی یافت ز آن درگه یافت ای برادر کس او باش و میندیش از کس [سنایی]	بهر رغبت زینت خشت و گلست بانی از فیاض فیضش بر دلست.۸۹۱
آرامگاه شادملک آغا در شاه زنده (Detail of tilework, Shad-I Malik Aqa mausoleum, 96/9/16)	مسجد جامع یزد (مسجد جامع یزد، ۹۷/۷/۱)

متغیر بعدی که در این کتیبه‌ها بررسی می‌شود، نوع کلام است (نمودار ۴).

نمودار ٤: نسبت درصد فراوانی نظم به نثر در کتیبه‌های فارسی هریک از گروه‌های پنج‌گانه معماری تیموری (مأخذ: نگارندگان)



مطابق نتایج ارزیابی حاصله، کلام منظوم در کتیبه‌های فارسی ابنیه عهد تیموری غلبه داشته است. تنها در دوره سلطنت شاهرخ استفاده بیشتری از نثر شده که آن را می‌توان با علاقه شاهرخ به تاریخ‌نگاری و رونق این شاخه ادبی خصوصاً انواع منثور آن مقایسه نمود. چنان‌که مشاهده می‌کنیم اطلاعات احداثیه که تقریباً در تمامی بناها به چشم می‌خورند، در این دوره در بسیاری موارد به فارسی و در قالب نثر بوده است (تصویر ۳).



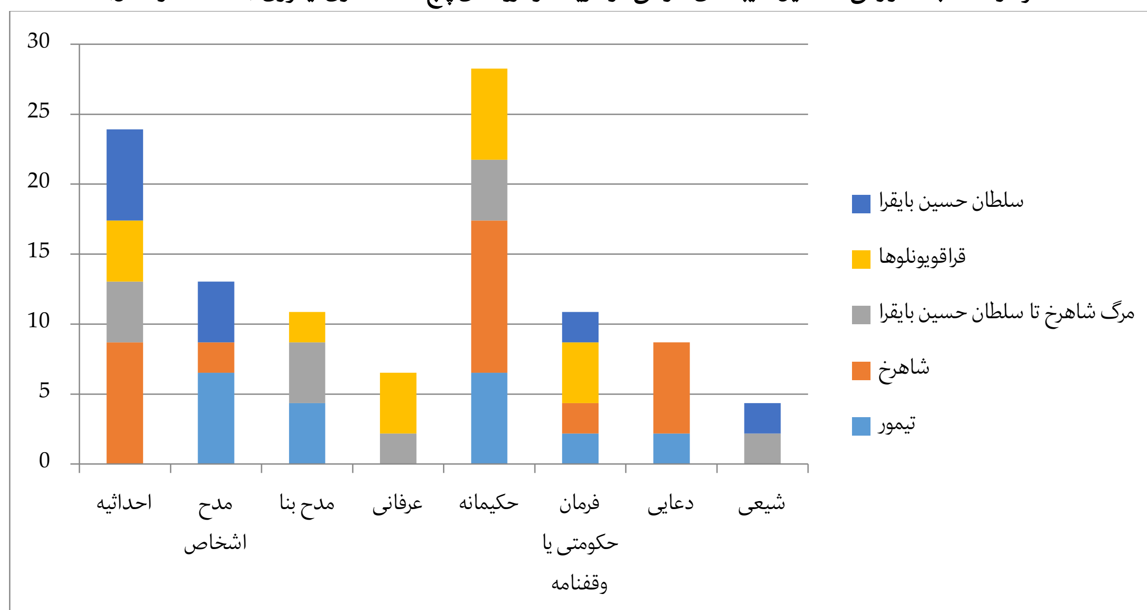
تصویر ۳: کتیبه احداثیه منثور مدرسه غیاثیه خرگرد خواف

مأخذ: (tile mosaic foundation inscription of madrasa, Khargird, 96/11/7)

از میان کتیبه‌های منظوم، تقریباً تمام اشعاری که مضامین حکیمانه و عرفانی دارند از دیوان شاعران بزرگی همچون فردوسی، سنایی، سعدی، حلاج، قاسم انوار و مولوی که بیشتر آن‌ها شاعران ادوار پیش از تیموری بوده‌اند، انتخاب شده است. (جدول ۱) طبیعتاً اشعاری که با مضمون احداثیه و مدح و ثنای بانی، پادشاه و یا خود بنا بر کتیبه‌ها نقش بسته توسط شاعران معاصر سروده شده که جز در مواردی که منابع تاریخی از کتیبه و شاعر آن نام برده‌اند، شناسایی شاعر آن‌ها ممکن نیست. چراکه به‌طورکلی رسم نبوده نامی از شاعر در کتیبه برده شود.

محتوای کتیبه‌های معماری در همه ادوار غالباً مضامین ثابتی نظیر اطلاعات احداثیه، مضامین حکیمانه و عرفانی را در بر می‌گیرد. فراوانی این مضامین و مضامینی نظیر مدح بنا که از مضامین مطرح ادبیات این دوره نیز هست در نمودار ۵ به تفکیک ادوار مختلف به نمایش درآمده است.

نمودار ۵: نسبت فراوانی مضامین کتیبه‌های فارسی در هریک از گروه‌های پنج‌گانه معماری تیموری (مأخذ: نگارندگان)



با توجه به نمودار فوق مضامین حکیمانه رایج‌ترین محتوا در کتیبه‌های فارسی معماری تیموری محسوب می‌شود و کاربرد آن حتی بیشتر از مضامین احداثیه است و با توجه به اینکه این مضمون غالباً طیف گسترده‌تری از مخاطبان را هدف قرار

می‌دهد انگیزه بانیان در استفاده از زبان فارسی در این کتیبه‌ها می‌تواند هم‌سویی و نزدیکی بیشتر با رعایای فارسی‌زبان خود باشد. از سوی دیگر با توجه به این‌که این مضمون غالباً در قالب اشعار شعرای نامی ایران جلوه یافته، می‌توان نتیجه گرفت زبان فارسی رسانه‌ای بوده برای نمایش درک قوم حاکم از فرهنگ جامعه تحت سلطه خویش. بیشترین تلاش در این زمینه در بناهای عهد شاهرخ صورت گرفته است. پس از مضامین حکیمانه، اطلاعات احداثیه بنا در جایگاه دوم قرار دارد که در همه ادوار معماری ایرانی از متداول‌ترین مضامین کتیبه‌ها بوده است. چنین به نظر می‌رسد که زبان فارسی در عهد تیمور هنوز برای برآوردن این نیاز رسمیت کافی نداشته است. در نقطه مقابل، مدح اشخاص خصوصاً خود فرمانروا و فرزندان او به زبان فارسی در عهد تیمور رواج تام داشته است و تیمور از این ترفند برای القای محبوبیت در میان رعایای فارسی‌زبان خود بهره می‌برده است. این‌روند در عهد شاهرخ نیز ادامه می‌یابد اما در عصر سلطان حسین بایقرا ممدوح کتیبه‌ها دیگر شاه یا بانی بنا نیست و مدح بزرگانی چون عطار، یا پیامبر و ائمه اطهار جایگزین آن می‌شود. در میان آن‌ها موارد معدودی مضامین شیعی نیز به چشم می‌خورد. البته مضامین مدح و ثنای مذهبی از ادوار پیش رایج بوده اما کاربرد زبان فارسی در آن دوران محدودتر بوده است.

یکی دیگر از مقاصد مدح و وصف در این دوران، ابنیه است. همان‌گونه که سابقاً اشاره شد با توجه به افزایش فعالیت‌های معماری در عهد تیموری، این مضمون رواج زیادی در منابع ادبی داشته که بازتاب آن را بر کتیبه‌های معماری می‌بینیم. فرمان حکومتی یا وقف‌نامه هم‌تراز با مدح ابنیه در کتیبه‌های فارسی به چشم می‌خورد. با این تفاوت که بیشترین فراوانی آن در بناهای ساخته‌شده توسط قراقویونلوها دیده می‌شود. منظور از مضامین دعای خیر عباراتی نظیر «مبارک باد» و «عاقبت خیر باد» است که در کتیبه‌های تزئینی و یا در خط فرعی کتیبه‌های مادر و بچه و تنها در عهد تیمور و شاهرخ ظهور یافته‌اند (جدول ۳).

جدول ۳: نمونه‌هایی از کتیبه‌های دعای خیر

مبارک باد	عاقبت خیر باد	عاقبت خیر باد
کاخ آق سرای (Detail of decoration on the inner face of portal, west side, 96/7/4)	مدرسه الغ بیگ در سمرقند (Architectural detail, Ulugh Beg Madrasah, Registan Square, Samarkand, Uzbekistan, 96/8/21)	مدرسه غیاثیه خرگرد (نگارندگان، ۱۳۹۷)

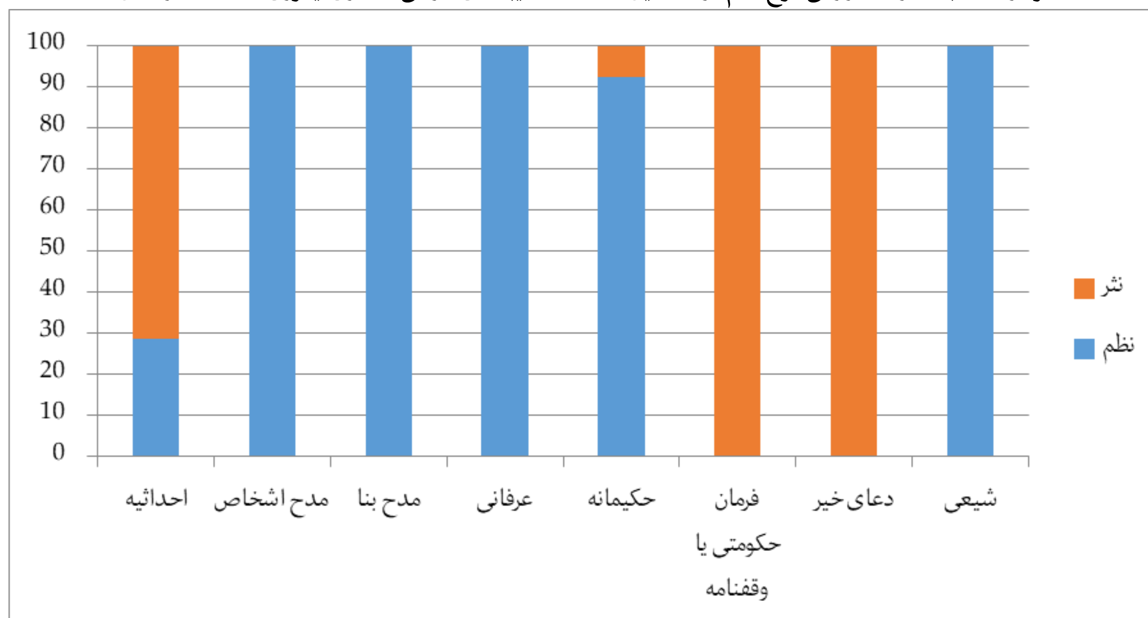
مضامین عرفانی نیز غالباً در قالب نظم فارسی بر بناهای بعد از سلطنت شاهرخ و یا در قلمرو قراقویونلوها به‌کاررفته‌اند. البته می‌بایست اشاره کرد که برخی از مضامین عرفانی حاوی جنبه‌های حکیمانه نیز هست[1]؛ از آنجایی که این کتیبه‌ها در دوره صفویه (احتمالاً به دلیل مقابله روحانیون صفوی با تصوف و کاهش گرایش‌های عارفانه) کاهش می‌یابند، شیوع این مضامین را می‌توان از مشخصه‌های کتیبه‌نگاری عهد تیموری دانست. در نهایت مضامین شیعی در دو مورد در

۱. در این موارد برای رسیدن به نتیجه بهتر، مضمون غالب در کتیبه مدنظر قرار گرفته است.

مسجد شاه مشهد (۸۵۵ق) و مقبره عطار (۸۹۱ق) به ترتیب در مدح امام رضا[ع] و امام علی[ع] به‌کاررفته‌اند.

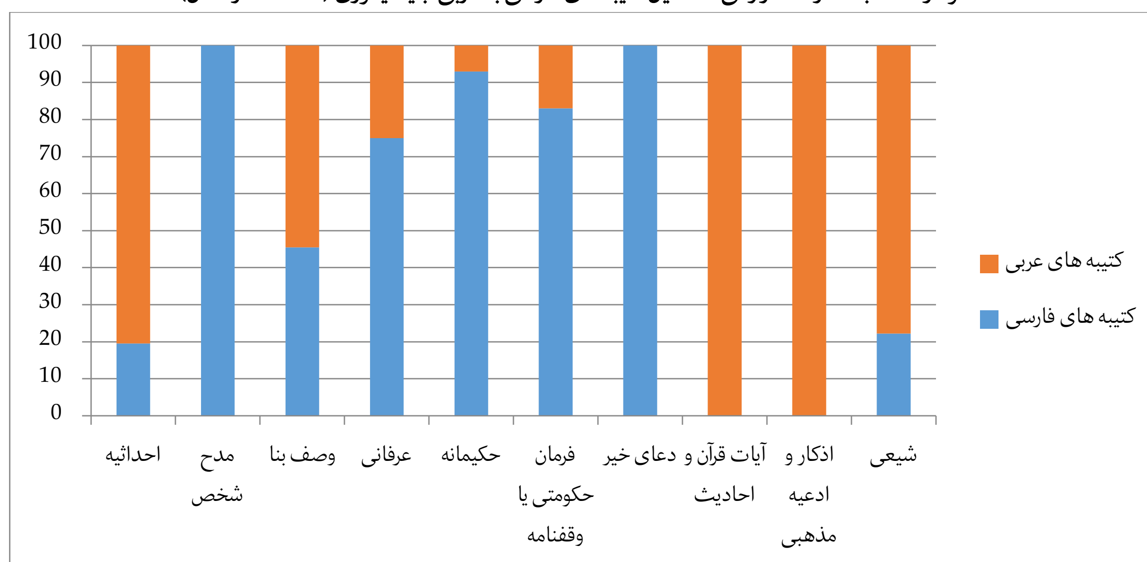
نگاهی به نوع کلام در هریک از مضامین هفت‌گانه فوق می‌تواند اطلاعات مفیدی ارائه دهد (نمودار ٦).

نمودار ٦: نسبت درصد فراوانی انواع کلام در مضامین هفت‌گانه کتیبه‌های فارسی معماری تیموری (مأخذ: نگارندگان)



مطابق نمودار فوق، به نظر می‌رسد هر جا نیاز بوده مطلبی به‌طور رسمی اطلاع‌رسانی شود (نظیر اطلاعات احداثیه بنا و فرامین حکومتی) از ساختار نثر استفاده شده و در مقابل هرگاه هدف القای غیرمستقیم پیامی بوده که می‌بایست با لطافت به قلب و ذهن خواننده نفوذ یابد از شعر بهره گرفته شده است. تحلیلی کامل‌تر می‌تواند این نکته را نیز روشن کند که به‌منظور انتقال برخی مضامین خاص، زبان فارسی بر عربی ترجیح داده شده است. این نکته در نمودار ۷ قابل مشاهده است.

نمودار ۷: نسبت درصد فراوانی مضامین کتیبه‌های فارسی به عربی ابنیه تیموری (مأخذ: نگارندگان)



مضامین مدح اشخاص و دعای خیر (منظور دعا در حق پادشاه یا سلطنت اوست) منحصراً به زبان فارسی نقل‌شده؛ بخش عمده‌ای از مضامین فرامین حکومتی یا وقفنامه، حکیمانه و عرفانی نیز به فارسی است؛ در مقابل مضامین مذهبی به‌طور طبیعی بیشتر به زبان عربی ارائه‌شده‌اند. بر طبق این نمودار در عهد تیموری زبان عربی هنوز هم رسمیت بیشتری برای بیان اطلاعات احداثیه بنا داشته است.

انتخاب زبان فارسی برای فرامین حکومتی و وقفنامه کاملاً طبیعی است، چراکه هدف درک مستقیم و بی‌واسطه عامه مردم از پیام بوده است. وفور مضامین حکیمانه و عرفانی به زبان فارسی نیز منبعث از منابع غنی عرفانی و اخلاقی در ادبیات فارسی است. طبیعی است انتخاب زبان فارسی برای پیام‌هایی نظیر ستایش ابنیه و اشخاص نیز می‌توانسته هدف ساخت بنا را مستقیماً با طیف وسیع‌تری از مخاطبان به اشتراک بگذارد. باوجود نفوذ مضامین شیعی در ادبیات فارسی این عهد، در حوزه کتیبه‌نگاری، این مضامین بیشتر به زبان عربی ارائه‌شده‌اند.

پس از بررسی کمّی متغیرها به‌جاست با ذکر مثال‌هایی به تبیین بیشتر کیفیت کتیبه‌های فارسی خصوصاً از منظر تجلی مختصات ادبیات فارسی عهد تیموری و انگیزه‌هایی چون سیاست حاکمان تیموری در آن‌ها بپردازیم. چنانکه به القاب و ادعیه‌ای که به پسوند نام سلطان در کتیبه‌های فارسی آمده توجه کنیم، مشاهده می‌شود که حتی این القاب و عبارات دعایی نیز به‌مرور از عربی به فارسی تغییر پیدا کرده است:

در کتیبه‌ی مسجد جامع بجستان (۸۲۸ق) عبارت «شاهرخ بهادر خلدالله ملکه» و در مسجد جامع هرات (۸۴۱ق) «شاهرخ بهادر خلدالله تعالی ملکه و سلطانه» و نیز: «علیاحضرت مهداعلی عصمت الدنیا و الدین گوهرشاد آغا» آمده اما در مدرسه غیاثیه خرگرد (۸۴۶ق) «ابوالمظفر شاهرخ بهادرخان خلدالله تعالی ملکه و سلطانه آفتاب دین و دولت آسمان عدل و داد پادشاه ربع مسکون خسرو صاحب قران» و در خانقاه نصرآباد (۸۵۵ق) احتمالاً در مدح سلطان محمدبن بایسنقر: «داور دوران غیاث ملک و دین»، درباره سلطان حسین بایقرا در مقبره عطار (۸۹۱ق): حضرت سلطان ابوالغازی حسین/ ظل حق پشت و پناه خافقین و در مسجد جامع نیشابور (۸۹۹ق) «سلطان حسین حامی دین شاه کامکار[1]» به چشم می‌خورد. این امر نیز بر گسترش روزافزون زبان فارسی صحه می‌گذارد.

از سوی دیگر اشاره شد که در تاریخ‌نگاری این عهد از اشعار فردوسی استفاده می‌شده است. از میان کتیبه‌های مورد مطالعه تنها یک کتیبه متعلق به آرامگاه تغلق‌تکین (۷۷۷ق) در شاه زنده، شعری از فردوسی را عرضه می‌کند:

گر ایوان من سر به کیوان کشید
هم آن زهر گیتی بباید چشید
اگر سال گردد هزار و دویست
به‌جز خاک تیره مرا جای نیست

به نظر می‌رسد با تقلیل مضامین حماسی در ادبیات فارسی تمایل برای کاربرد آن‌ها در کتیبه‌ها نیز کاهش یافته باشد. چنان‌که دست‌کم در این مطالعه دیگر شعری از شاعر حماسه‌سرای ایران، فردوسی، به چشم نمی‌خورد. از آن پس بیشتر اشعار اخلاقی سعدی و سنایی یا عرفانی انوری، قاسم انوار، حافظ و حلاج به‌کاررفته است. این مسئله با افول روحیه جنگ‌آوری و سلحشوری در سیاست کشورداری اعقاب تیمور و جایگزینی روحیات مذهبی و عرفانی در فضای حکومتی آنان هم‌راستاست. بازتاب این تغییر را حتی در نگارگری عهد تیموری نیز می‌توان دید: «در این دوره گرچه مفاهیمی چون جلوس شاهانه، ضیافت و طوی، شکار و جنگ همچنان رواج داشت ولی مهم‌تر از همه مفاهیمی چون عشق لاهوتی و فنا در راه خدا بود که از مضامین مهم عارفانه محسوب می‌شد. شاهنامه‌ها جای خود را به عارفانه‌ها دادند» (آژند، ۱۳۸۷: ۲۲۶-۲۲۵).

در میان کتیبه‌های فارسی به همان رویکرد عرفانی به جهان که «هر نقش زیبا را مظهر تجلی حق می‌انگاشت» (بیانی،

۱. در این‌گونه کتیبه‌ها سلطان، مشخصاً با صفت حامی دین معرفی می‌شود که در راستای همان سیاست القای مشروعیت در میان رعایای مسلمان است.

۱۳۸۹: ۲/ ۵۵۹) برمی‌خوریم از آن جمله است کتیبه سردر آرامگاه شادملک آغا در شاه زنده با این ابیات:

این سقف پرمقرنس و این طاق زرنگار
این اصطلاح زین بماند ...؟ یادگار
هر نقش و هر هنر که تو بینی در این جهان
آن هست از عنایت خلاق کردگار

در خصوص مضامین شیعی، به‌صورت بسیار محدود می‌توان نمونه‌هایی از آن‌ها را در کتیبه‌های فارسی خصوصاً در اواخر عهد تیموری مشاهده کرد. نظیر این بیت که بر ستون سنگی واقع در مقبره عطار به دستور امیرعلیشیر نوایی حجاری شده است:

ز مشرق تا به مغرب گر امام است
علی و آل او ما را تمام است

کتیبه‌های مدح اشخاص در تمجید مقام سلطان و شاهزادگان و یا اولیای دین است و کتیبه‌های تمجید بنا غالباً به نظم و با تشبیه اجزاء ساختمان خصوصاً طاق، گنبد، مقرنس به مظاهر باشکوه طبیعت شکل گرفته‌اند. این کتیبه‌ها خصوصاً در بناهای عهد تیمور به‌کاررفته‌اند. نمونه‌ای همراه با غلو، اغراق و تعبیرات دور از ذهنِ رایج در ادبیات این عهد، در کتیبه درب امام اصفهان (تصویر ٤) به‌کاررفته است؛ مثلاً آنجایی که ادعا می‌کند این عمارت مایه حسد باغ بهشت است یا خورشید در مقابل شمسه این طاق از حسد چون ذره‌ای سرگردان گشته است.

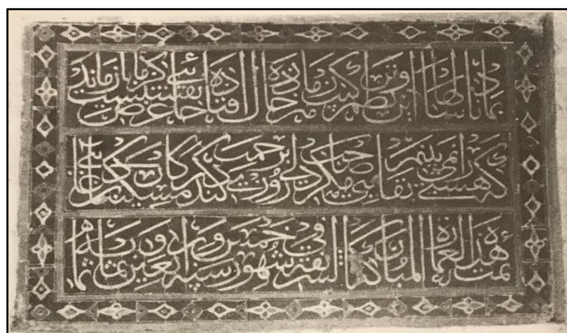
نظام یافت بنام خدای عالمیان
عمارتی که بود رشگ روضه رضوان
بنزد طاس زراندود و چتر این گنبد
مرقعیست کبود این رفیع شادروان
ز رشگ شمسه این هشت طاق و نه منظر
چو ذره شمسه خورشید گشته سرگردان
نهاده صبح بدین سبزه سپهر ز مهر
برای زینت این بقعه جام جاویدان
بیمن همت زین العباد و دولت شاه
بهشت روی زمین گشت ملک اصفاهان
... بعهد جهانشاه آن ابوالفتحی
که کرد نام خدایش محمدی سلطان
بروج قصر جلالش از آن رفیع‌تر است
که تیر وهم رسد بر وی از کمان گمان



تصویر ٤: کتیبه فارسی وصف بنای درب امام اصفهان
(خسروی بیژائم، ۱۳۹۷: آرشیو شخصی)

در اشعار حاوی مطالب حکیمانه غالباً مضمون دل نبستن به دنیای فانی و آمادگی برای مرگ، مستتر است. نظیر این شعر سعدی که در کتیبه‌های افزوده کاخ تچر تخت جمشید (٨٢٦ق) و مسجد حوض کرباس غلوار (٨٤٥ق)، (تصویر ٥) استفاده شده است:

بماناد سال‌ها این نظم و ترکیب
زما هر ذره خاک افتاده جائی
غرض نقشیست کز ما باز ماند
که هستی را نمی‌بینم بقائی
مگر صاحب‌دلی روزی برحمت
کند در کار مسکینان دعائی



تصویر ۵: کتیبه با مضمون فانی بودن دنیای خاکی در مسجد حوض کرباس غلوار هرات
(اوکین، ۱۳۸۶: ۸۲۲)

و در این شعر از انوری که بر گریو گنبد جنوبی مدرسه دودر نقش بسته (تصویر ٦)، حال و هوای صوفیانه و تساهل و مدارای آن عهد احساس می‌شود:

هزار نقش برآرد زمانه و نبود
یکی چنان‌که در آیینه تصور ماست
به دست ما چو ازین حل و عقد چیزی نیست
به عیش ناخوش و خوش گر رضا دهیم رواست
به زیر گنبد خضرا چنان توان بودن
که اقتضای قضاهای گنبد خضراست
بر این مقرنس مینا نوشته‌اند به زر
که بر مدار و ثبات فلک امید خطاست



تصویر ٦: کتیبه گریو گنبد جنوبی مدرسه دودر
(Madrasa Do Dar, 96/9/7)

همان‌طور که اشاره شد فن معما و کاربرد حساب جمل در ماده‌تاریخ‌ها از فنون ادبی رایج این عهد به شمار می‌رود. انواع ماده‌تاریخ‌ها، خصوصاً با به‌کارگیری حساب جمل در کتیبه‌ها نیز به چشم می‌خورد. به‌عنوان‌مثال در کتیبه‌ای در مسجد جامع هرات که از بناهای بازسازی‌شده به دستور امیر علیشیر نوایی است، «در پهلوی چپ رواق ایوان مقصوره، به خط ثلث نوشته‌شده:

مقصوره و طاق جامع شهر
گردیده خراب بود از دیر
شد امر ز غیب و گشت تاریخ
یوفق لبنائه علی‌شیر»
(الهی زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

عبارت «یوفق لبنائه علیشیر» به حساب حروف جمل سال ۹۰۵ هجری که سال مرمت بناست را نشان می‌دهد.
معادل تصویری همین پیچیدگی‌های لفظی را در ترکیب بصری برخی کتیبه‌های تیموری حتی به زبان فارسی نیز می‌توان مشاهده نمود. کاربرد خط کوفی بنایی به شیوه‌ای پیچیده برای نوشتن متن فارسی در کاخ آق‌سرای (تصویر ۷)، مدرسه غیاثیه خرگرد خواف (جدول ۳) و در خانقاه نصرآباد اصفهان مشهود است.



تصویر ۷: کتیبه فارسی آق سرای. کلمات «رسول بلنداختر... عالم افروز» در آن خوانده می‌شود.
(Aq Saray Palace,97/8/23)

نتیجه‌گیری

تحلیل و ارزیابی کمّی کتیبه‌های فارسی معماری تیموری نشان از آن دارد که زبان فارسی به تدریج مقبولیت بیشتری نزد حاکمان تیموری می‌یافته و بانیان بناها که غالباً شاهان و شاهزادگان تیموری بوده‌اند توجه روزافزونی به زبان و ادبیات فارسی نشان می‌داده‌اند. توجه به این زبان در کتیبه‌های ابنیه خراسان، به‌ویژه در پایتخت شاهرخ، هرات، نمود بیشتری داشته است و این نکته می‌تواند نشانه‌ای از توجه بانیان بناها به بالا بودن سطح عمومی سواد در میان مردم این منطقه باشد. حاکمان تیموری گاه برای انتقال پیام‌های رسمی به رعایای خود با آنان هم‌زبان می‌شدند و فرامین حکومتی و وقفنامه‌ها را بر کتیبه‌ها حک می‌کردند و گاه برای بیان ابراز توجهشان به ساخت‌وساز و آبادانی، نامشان را به فارسی بر سردر بناهایی که احداث می‌کردند نقش می‌نمودند و یا اشعاری در مدح بناهای ساخته‌شده سفارش می‌دادند و آنان را بر بنا نقش می‌زدند. حتی دعاها و مدیحه‌هایی که در حق آنان و حکومتشان بر در و دیوار بناها ثبت می‌شد به فارسی بود تا مشروعیت خویش را به رعایا القا کنند. همچنین آنان همواره به آشنایی با فرهنگ و ادب فارسی مباهات می‌کردند که تجلی آن را در کتیبه‌هایی با اشعار حکیمانه و عرفانی که از آثار شاعران بنام ادب فارسی برگزیده‌اند می‌توان شاهد بود. این نوع اشعار توجه یا تأثیرپذیری آنان را در مواجهه با جریانات عرفانی و صوفیانه‌ای که در آن عهد شدت و قوت گرفته بود نیز نشان می‌دهد. درصد بیشتری از کتیبه‌های فارسی در قالب نظم بوده‌اند؛ خصوصاً در مضامین حکیمانه، عرفانی، مدح بنا و اشخاص. در مورد وقفنامه‌ها و فرامین حکومتی و عبارات دعایی در حق پادشاه از نثر استفاده بیشتری شده است. در مضامین غیرمذهبی به‌جز اطلاعات احداثیه بنا کاربرد زبان فارسی بیشتر از زبان عربی بوده است. کتیبه‌نگاری بسیاری از وجوه و مشخصات ادبیات فارسی عهد تیموری را بازتاب می‌دهد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تقلید از آثار گذشتگان، تکلف در مدح اشخاص و اغراق در وصف ابنیه، بازتاب مضامین عرفانی و صوفیانه، انعکاس مضامین حکیمانه و پند و اندرز به‌ویژه با موضوع شِکوِه از مرگ و ناپایداری دنیا و نیز وصف طبیعت و ابنیه اشاره کرد. در تمامی موارد به‌جز مورد آخر، این ادبیات است که بر کتیبه‌نگاری تأثیر گذارده؛ این مضامین در همه ادوار در کتیبه‌نگاری رواج داشته‌اند. اما در مورد وصف ابنیه، این معماری است که بر ادبیات سایه افکنده و افزایش ساخت بناها و رونق معماری عهد تیموری را می‌توان عاملی مؤثر بر رواج شعر و شاعری با مضمون مدح ابنیه دانست. رواج فن معما که محصول مضمون‌یابی و باریک‌اندیشی رایج در ادبیات تیموری است، علاوه بر نفوذ بر محتوای کتیبه‌ها، معادلی نیز در ظاهرِ کتیبه‌های فارسی دارد و آن استفاده از خط کوفی بنایی فشرده و پیچیده نگاشتن کلمات و حروف است که درک آن‌ها، همچون معماهای آن دوره، نیازمند تفکر و صرف وقت بیشتر است.

در این مقاله سعی گردید یک گام فراتر از معرفی کتیبه‌های فارسی ابنیه تیموری گذاشته شود و علاوه بر انجام تحلیل و مقایسه مشخصات کتیبه‌ها با یکدیگر، انعکاس مختصات ادبیات فارسی عهد تیموری بر کتیبه‌ها مورد توجه قرار گیرد. اگر این موارد و بازخوانی دقیق‌تر برخی کتیبه‌های فارسی از امتیازات پژوهش حاضر نسبت به تحقیقات پیشین در نظر گرفته شود، آنچه می‌تواند این مقدمه را در تحقیقات آتی خصوصاً در آثار متخصصان ادب فارسی تکمیل نماید، اظهارنظر کارشناسانه‌تر بر ساختار ادبی متن کتیبه‌ها است.

فهرست منابع

۱. آژند، یعقوب. (۱۳۸۳). «خوشنویسی در قلمرو مکتب هرات. دوره پیشین (با تأکید بر خط نستعلیق)». ***کتاب ماه هنر***. (شماره ۷۰-۶۹)، ۳۷-۲۴.

۲. آژند، یعقوب. (۱۳۸۷). ***مکتب نگارگری هرات***. تهران: فرهنگستان هنر.

۳. آشوری، محمدتقی، و همکاران. (۱۳۹۶). «معرفی و طبقه‌بندی کتیبه‌های معماری تیموری». ***پژوهشنامه خراسان بزرگ***. (شماره ۲۸)، ۳۶-۲۱.

۴. الهی‌زاده، محمدحسن، و همکاران. (۱۳۹۳). «بررسی محتوایی کتیبه‌های مساجد خراسان در عهد تیموری». ***پژوهشنامه خراسان بزرگ***. (شماره ۱۷)، ۱۱۸-۹۹.

۵. اوکین، برنارد. (۱۳۸۶). ***معماری تیموری در خراسان***. ترجمه علی آخشینی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۶. بارتولد، واسیلی ولادیمیر. (۱۳۷۶). ***تاریخ ترک‌های آسیای میانه***. ترجمه غفار حسینی. تهران: توس.

۷. براون، ادوارد. (۱۳۵۷). ***تاریخ ادبی ایران: از سعدی تا جامی***. ترجمه علی‌اصغر حکمت. تهران: امیرکبیر.

۸. بلر، شیلا. (۱۳۹۴). ***نخستین کتیبه‌ها در معماری دوران اسلامی ایران‌زمین***. ترجمه مهدی گلچین عارفی. تهران: فرهنگستان هنر.

۹. بیانی، شیرین. (۱۳۸۹). ***دین و دولت در ایران عهد مغول***. حکومت ایلخانی: نبرد میان دو فرهنگ. ج۲. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۱۰. پوپ، آرتور اپهام، و فیلیس اکرمن. (۱۳۸۷). ***سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)***. ج۴. ترجمه نجف دریابندری. تهران: علمی و فرهنگی.

۱۱. تاکستن و.م. و همکاران. (۱۳۸۴). **تیموریان**. (یعقوب آژند، مترجم). تهران: مولی.

۱۲. دانش‌دوست یزدی، فاطمه. (۱۳۸۷). ***کتیبه‌های اسلامی شهر یزد***. تهران: سبحان نور،

۱۳. رویمر؛ ه.ر. و همکاران. (۱۳۷۸). **تاریخ ایران دوره تیموریان**. (ترجمه یعقوب آژند). تهران: جامی.

۱۴. زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۵). ***از گذشته ادبی ایران: مروری بر نثر فارسی سیری در شعر فارسی با نظری بر ادبیات معاصر***. تهران: الهدی.

۱۵. سمرقندی، دولتشاه. (۱۲۷۹). ***تذکره الشعرا***. لیدن: بی‌نا.

۱۶. شایسته فر، مهناز. (۱۳۸۸). «تعامل معماری و شعر فارسی در بناهای عصر تیموری و صفوی». ***مطالعات هنر اسلامی***. (شماره ۱۱)، ۱۰۴-۷۹.

۱۷. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۰). ***سیر غزل در شعر فارسی***. تهران: فردوس.

۱۸. شیمل، آن ماری. (۱۳۸۲). ***خوشنویسی و فرهنگ اسلامی***. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: آستان قدس رضوی (به نشر).

۱۹. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۲). ***تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان پارسی، از پایان قرن هشتم تا اوایل قرن دهم هجری***. ج۴. تهران: فردوس.

۲۰. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۹). ***مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر پارسی***. تهران: ققنوس.

۲۱. عابدین‌پور، وحید. (۱۳۸۹). «علل تحول خوشنویسی و پیوند آن با هویت ایرانی در دوره تیموری». ***تاریخ اسلام و ایران***. (شماره ۸۹)، ۸۵-۵۵.

۲۲. عزیزیان، حسن. (۱۳۷۸). ***تاریخ مزند***. مشهد: گوهر سیاح.

۲۳. کاتب یزدی، احمد بن حسین. (۱۳۸۶). ***تاریخ جدید یزد***. تهران: امیرکبیر.

۲۴. منشی قمی، قاضی میراحمد بن شرف‌الدین حسین. (بی‌تا). **گلستان هنر**. تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: کتابخانه منوچهری.

۲۵. میرجعفری، حسین. (۱۳۷۹). ***تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان***. تهران: سمت.

۲۶. نجیب اوغلو، گل رو. (۱۳۷۹). ***هندسه و تزئین در معماری اسلامی (طومار توپقاپی)***. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: روزنه.

۲۷. نصیری جامی، حسن. (۱۳۸۵). «سرآمد پیوند شعر و هنر در عصر تیموری». ***ادبیات فارسی***. (شماره ۱۲-۱۱)، ۱۰۵-۹۲.

۲۸. نفیسی، سعید. (۱۳۴۴). ***تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تا پایان قرن دهم هجری***. تهران: کتابفروشی فروغی.

۲۹. ویلبر، دونالد، و لیزا گلمبک. (۱۳۷۴). ***معماری تیموری در ایران و توران***. ترجمه کرامت‌الله افسر، محمد یوسف کیانی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

۳۰. یارشاطر، احسان. (۱۳۳۴). ***شعر فارسی در عهد شاهرخ (نیمه اول قرن نهم) یا آغاز انحطاط در شعر فارسی***. تهران: دانشگاه تهران.

فهرست تصاویر

31. «Aq Saray Palace» .(1397/08/23) from: http://www.kufic.info/architecture/aqsaray/aqsaray.htm
32. «Herat: Gawharshad Musalla Complex» .(1396/09/09)From:https://www.cemml.colostate.edu/cultural/09476/afgh05-091.html
33. «tile mosaic foundation inscription of madrasa,
Khargird,Iran».(1396/11/7)From:https://www.alamy.com/stock-image-tile-mosaic-foundation-inscription-of-madrasa-khargird-iran-165123354.html
34. «Detail of tilework, Shad-I Malik Aqa mausoleum, Shah-I Zinda necropolis, Samarkand, Uzbakistan».(1396/9/16) from: https://www.alamy.com/stock-photo-detail-of-tilework-shad-i-malik-aqa-mausoleum-shah-i-zinda-necropolis-50627351.html
35. «Detail of decoration on the inner face of portal, westside». (1396/07/04) From: https://archnet.org/media_contents/1569
36. «Architectural detail, Ulugh Beg Madrasah, Registan Square, Samarkand, Uzbekistan». (1396/08/21)from:https://www.alamy.com/architectural-detail-ulugh-beg-madrasah-registan-square-samarkand-image66349844.html
37. «Madrasa Do Dar, Mashhad, Iran». (1396/09/07)from:https://www.alamy.com/madrasa-do-dar-mashhad-iran-image8693568.html
۳۸. آرشیو شخصی فرهاد خسروی بیژائم، ۱۳۹۷.
۳۹. «مسجد جامع یزد». (۱۳۹۷/۷/۱) از :
http://www.irankhabar.ir/fa/doc/gallery/111344/3/17